

نحوه بازنمایی روابط بین‌نسلی در سریال‌های ایرانی پربیننده^۱

محمدسعید ذکایی*

محمد فتحی‌نیا**

چکیده

این مقاله روایت پربیننده‌ترین سریال‌های ایرانی را، با محوریت مسائل جوانان در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ و روابط بین‌نسلی (روابط جوانان و افراد بزرگ‌سال با تأکید بر والدین)، با بهره‌گیری از عناصر مدل لایبوف بررسی می‌کند. یافته‌های این بررسی حاکی از آن است که سه الگوی توافق نسلی، تغییر نسلی (تفاوت، تراحم، و تعامل هم‌زمان)، و شکاف یا گسست نسلی به صورت پنهان یا آشکار در سریال‌های مورد بررسی بازنمایی شده است. در این میان، تنها الگویی که در آن هم‌نگرش و رفتار جوانان و هم‌نگرش و رفتار افراد بزرگ‌سال در همه موارد خوب‌نمایی شده الگوی توافق نسلی است. علاوه بر این، در سایر الگوها نیز رفتارهای حاکی از احترام جوانان به افراد بزرگ‌سال (به رغم تفاوت ارزش‌های بنیادین) و رفتارهای حاکی از خیرخواهی بزرگ‌سالان برای جوانان، که به شیوه‌ای مناسب بروز یافته‌اند، خوب‌نمایی شده است. در موارد بدنمایی‌شده نیز مسئله به اشتباهات فردی جوانان یا افراد بزرگ‌سال نسبت داده شده که با نصیحت یا کمک فرد بزرگی فیصله یافته و در غیر این صورت عواقب وخیمی داشته است. چنین رویکردی به روابط نسلی حاکی از آن است که صدا و سیما اهمیت این مسئله اجتماعی را تا سطح مسئله‌ای فردی کاهش داده است. به نظر می‌رسد که این نحوه عمل در سریال‌های تلویزیونی تا حدی متأثر از سیاست‌های صدا و سیما در حوزه روابط بین‌نسلی باشد. سیاست‌هایی

* دکترای جامعه‌شناسی ارزش‌ها از دانشگاه شفیلد انگلستان، عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی saeed.zokaei@gmail.com

** دانشجوی دکتری ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول) fathinia@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۲۷

که با تأکید بر ممنوعیت «دسته‌بندی یا رودررو قرار دادن نسل‌ها» و نیز «نمایش دعوا، مشاجرات، و اختلافات حاد خانوادگی (حتی در قالب طنز)» در سریال‌های تلویزیونی، بیشتر مایل به مسکوت گذاشتن این مسئله است تا پرداختن به ابعاد مختلف آن به عنوان یک مسئله اجتماعی.

کلیدواژه‌ها: جوانان، روابط بین نسلی، سریال‌های تلویزیونی، تحلیل روایت.

۱. مقدمه

با آن‌که روابط نسلی و کیفیت آن، به‌خصوص در ارتباط با نسل جوان، پس از تحولات مدرنیسم به طور خاص مورد توجه قرار گرفته، اما قدمت موضوع بسیار بیشتر از این‌هاست. احتمالاً قدیمی‌ترین سند مکتوب در این خصوص، که بر یک لوحه باستانی کشف شده در شهر اور^۲ نقش بسته، جمله‌ای با این مضمون است: «اگر اجازه دهیم اعمال بی سابقه نسل‌های جوان‌تر ما ادامه یابد، تمدن ما محکوم به نابودی است» (به نقل از آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۴۲). این نگرانی ریشه در دغدغه بزرگسالان نسبت به دگرگونی سنت‌های اجتماعی به دست جوانان در جریان فرایند گذار و انتقال از نسلی به نسل دیگر دارد. به بیان دیگر استمرار یک جامعه از طریق فرایند جامعه‌پذیری، که سنت اجتماعی نسل‌های پیشین را به نسل‌های جدید انتقال می‌دهد، تأمین می‌شود. لیکن جامعه‌پذیری هرگز کامل نیست؛ یعنی نسل‌های جدید هرگز زندگی اجتماعی پیشینیان خود را دقیقاً تکرار نمی‌کنند، بلکه این تکرار همواره با انتقاد و رد برخی از جنبه‌های سنتی و یا نوآوری همراه است. در زمان ما این خصایص به علت تغییرات عمومی که در محیط اثر می‌گذارند و به سبب تنوع فراوان هنجارها و ارزش‌ها، که به نسل جدید امکان می‌دهد که تا حدی بین راه‌های مختلف زندگی به انتخاب بپردازند و یا عناصر گوناگون فرهنگ را از نو در انگاره‌های جدید ترکیب کنند، بارزتر می‌شود (باتمور، ۱۳۵۸: ۳۴۵ به نقل از چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶: ۸۶). این مسئله به‌خصوص در جوامعی که تغییر و تحولات سریع و ناگهانی را تجربه می‌کنند، ابعاد گسترده‌تری دارد. در ایران معاصر دو انقلاب مشروطه و اسلامی، واقعه جنگ تحمیلی، فضای بعد از جنگ و ظهور نسل سوم با ویژگی بارز استفاده از تکنولوژی به‌ویژه تکنولوژی‌های ارتباطی، پیدایش گفتمان‌های سیاسی مختلف، و آشنایی مردم با فرهنگ غرب که با گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی به صورت روزافزون بیشتر شده به این مسئله دامن زده است.

مؤلفه‌های متعددی در تشخیص هرگونه شکاف یا گسست نسلی در خانواده قابل مشاهده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: کاهش ارتباط کلامی میان نسل بالغ و جوان، اختلال در فرایند همانندسازی، تبعیت نکردن فرزندان از والدین، تغییر گروه‌های مرجع جوانان، کاهش فصل مشترک‌های عاطفی میان نسلی، فقدان تعهد به فرهنگ نسل پیشین، و کاهش تسامح میان نسل‌ها (شرفی، ۱۳۸۲: ۱۱۳-۱۱۴).

ذکایی، پس از مرور نظری پارادایم‌های روابط بین‌نسلی، فرایند گذار جوانان را متأثر از عواملی می‌داند که آن‌ها را در چهار بخش «تحولات در تجربه گذار»، «استقلال‌طلبی و روابط قدرت»، «اجتماعی‌شدن و انتقال ارزش‌ها»، و «نقش رسانه‌های جدید» دسته‌بندی و نتایج پیمایش‌های ملی در هر بخش را مرور می‌کند. وی در بخش تحولات تجربه گذار، به غیر استانداردشدن و غیر خطی‌شدن تجربه گذار در نزد جوانان و اقامت طولانی‌تر آن‌ها در خانواده؛ در بخش استقلال‌طلبی و روابط قدرت، به فردی‌شدن و دموکراتیزه‌شدن مناسبات خانوادگی؛ در بخش اجتماعی‌شدن و انتقال ارزش‌ها، به اجتماعی‌شدن دوطرفه جوانان و والدین، گذار نسلی در ارزش‌های سیاسی و نگاه و مصرف نسبتاً متفاوت جوانان از «سیاست معمول» و پایداری آنان به قراردادهای نسلی خانواده؛ و بالأخره در بخش نقش رسانه‌های جدید، به رسانه‌ای‌شدن فراغت و قدرت‌بخشی رسانه‌های جدید به جوانان اشاره می‌کند (۱۳۸۸: ۳۶-۴۶). چنان‌که در اغلب مقوله‌های اشاره‌شده نیز مشخص است، مسئله روابط نسلی میان جوانان و نسل سالمندتر جامعه مستلزم به‌میان‌آوردن بحث خانواده است؛ زیرا خانواده به عنوان کانون اصلی تعامل طبیعی بین‌نسلی ضمن فراهم‌ساختن رابطه تعاملی بین نسل‌ها، محل تفاوت‌ها و تعارض‌های نسلی نیز هست (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۵۷۰). به طور کلی سه موضع توافق، تغییر، و گسست در خصوص روابط بین‌نسلی در ایران مطرح شده است و به رغم برخی دیدگاه‌های نظری و یافته‌های تجربی در خصوص پررنگ‌تر بودن موضع توافق نسبت به تزاخم و گسست بین‌نسلی (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۳؛ معیدفر، ۱۳۸۳؛ ذکایی، ۱۳۸۸)، نگرانی در زمینه تغییر ارزش‌ها و بروز شکاف میان نسل جوان و نسل‌های قبلی در سال‌های اخیر شدت گرفته است. این نگرانی عمدتاً مربوط به چند مسئله، به‌ویژه مسائل خانوادگی بوده است به طوری که حتی اکثر پژوهش‌های قائل به توافق نسلی نیز بر وجود آن‌ها تأکید کرده‌اند. ساروخانی و صداقتی فرد پس از مرور پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، به مسئله منشأ تزاخم و تفاوت نسلی اشاره می‌کنند و می‌نویسند:

موارد تفاوت در ارزش‌های خانوادگی میان دو نسل در سه زمینه معاشرت میان دو جنس قبل از ازدواج، مخالفت با ازدواج خویشاوندی یا فامیلی، و توزیع قدرت در خانواده دیده می‌شود. به عبارت دیگر نسل جدید در عرصه خواست‌های خانوادگی، بیش از نسل قبل از خود متقاضی آشنایی و ارتباط قبل از ازدواج با جنس مخالف و اجتناب از انتخاب همسر به طریقه سنتی است؛ بیش از نسل قبل مخالف ازدواج‌های فامیلی است؛ و بیش از نسل قبل به توزیع افقی قدرت در خانواده به جای اقتدار عمودی آن می‌اندیشد (۱۳۸۸: ۲۶).

روابط نسلی، به عنوان مسئله‌ای فرهنگی، تحت تأثیر منابع مختلفی است که دست‌اندرکار شکل‌دادن و تغییر فرهنگ جامعه هستند. در کنار خانواده، محیط اجتماعی و مدرسه و در تعامل با این نهادها، رسانه‌ها از منابع فرهنگ‌سازی و تغییر فرهنگ افراد جامعه به‌شمار می‌روند. در سال‌های اخیر به دنبال رشد و توسعه روزافزون رسانه‌ها و اقبال مخاطبان به‌خصوص جوانان به این منبع، تأکید بیشتری بر نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی و تغییر فرهنگ افراد جامعه شده است. چنان‌که به زعم استیونسون (Stevenson)، سخن‌گفتن از فرهنگ‌های مدرن، به معنای سخن‌گفتن از فرهنگ‌های رسانه‌ای است (3: 1995) و به تعبیر کلنر (Kellner)، امروزه فرهنگ رسانه‌ای به نیروی مسلط جامعه‌پذیری تبدیل شده است و تصاویر و شخصیت‌های تلویزیونی به مثابه سازندگان سلیقه، ارزش، و تفکر تا حد زیادی جای خانواده‌ها، مدارس، و نهادهای مذهبی را گرفته‌اند و صورت‌های جدیدی از هویت‌یابی و تصاویر ملازم با آن در خصوص سبک، مد، و رفتار شکل گرفته است (17: 1995). در مورد نقش تلویزیون در روابط نسلی دیدگاه‌های مختلفی ابراز شده است. یوسفی با تقسیم‌بندی این دیدگاه‌ها در سه دسته خوش‌بینانه (اعتقاد به نقش مثبت رسانه‌ها در انتقال ارزش‌ها در بین نسل‌ها)، بدبینانه (در نظر گرفتن رسانه‌ها به عنوان عامل اصلی یا یکی از عوامل اصلی بروز شکاف یا گسست نسلی)، و بینابین (اعتقاد به تأثیرات مثبت و منفی رسانه‌ها در روابط نسلی بر حسب مورد) به مرور استدلال‌های معتقدان به هر دیدگاه و پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه پرداخته است و نشان می‌دهد که در مجموع تأکید بیشتری بر نقش منفی تلویزیون در روابط نسلی شده است (۱۳۸۸). اهمیت این دغدغه به‌خصوص برای رسانه‌هایی است که بر نقش فرهنگ‌سازی خود در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه روابط نسلی تأکید می‌کنند. صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نمونه بارزی از این رسانه‌هاست که فرهنگ‌سازی در حوزه‌های مختلف، به عنوان یکی از اصلی‌ترین رسالت‌های آن، به انحای مختلف در اسناد بالادستی این سازمان مورد تأکید قرار گرفته است. بر این مبنای صدا و سیما در حوزه روابط نسلی نیز به دنبال ترویج فرهنگی

خاص در بین مخاطبان (به‌خصوص جوانان) است و این هدف را بیش از هر ژانر دیگری در سریال‌های خود پیگیری می‌کند. این در حالی است که، به رغم حساسیت موضوع و صرف وقت و هزینه بسیار برای تهیه سریال‌های تلویزیونی، تصویر روشنی از عملکرد سریال‌ها در این حوزه وجود ندارد. پژوهش حاضر با در نظر داشتن سه زمینه تفاوت و تعارض نسلی ذکر شده در پژوهش‌های انجام شده در این حوزه؛ یعنی معاشرت میان دو جنس قبل از ازدواج، مخالفت با ازدواج خویشاوندی، و توزیع قدرت در خانواده؛ روایت پربیننده‌ترین سریال‌های داخلی تولید و پخش شده از تلویزیون را در حوزه مسائل جوانان و روابط بین‌نسلی آنان و نسل‌های قبل، در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳^۲، بررسی می‌کند. نتایج این پژوهش امکان می‌دهد تا کلان‌روایت (big story) سریال‌سازی صدا و سیما در خصوص مسئله روابط نسلی و نقاط قوت و ضعف عملکرد سازمان در این حوزه مشخص و زمینه توجه علمی‌تر و حرفه‌ای‌تر به این مسئله در تولیدات آتی تلویزیونی فراهم شود.

۲. مبانی نظری

مفهوم نسل (generation)، همچون بسیاری از مفاهیم اجتماعی، مفهومی گسترده و سیال است و در تعاریف متعدد ارائه شده از آن توافق کاملی در مورد معنای آن وجود ندارد. از نظر زیست‌شناسان، نسل به معنای فاصله میان والدین و فرزندان است. انسان‌شناسان آن را در ارتباط با نسبت خویشاوندی بررسی می‌کنند. جمعیت‌شناسان با مفاهیمی چون دوره نسلی و هم‌دوره‌ای‌ها از آن یاد می‌کنند و جامعه‌شناسان بر تجربیات نسلی تأکید دارند. اینگلههارت (Inglehart) در تعریف نسل اقتضائات سنی مشترک را مبنا قرار می‌دهد. مانهایم (Mannheim) با تعبیری چون واحدهای نسلی (generation units)، جایگاه نسلی (generation location)، و نسل به مانند یک واقعیت (generation as an actuality) بر اشتراک افراد یک نسل در یک دوره تاریخی یکسان تأکید می‌کند. بکر (Becker) در تعریف نسل، علاوه بر دوره تاریخی خاص، به علایق خاص در سطح فردی و نظام اجتماعی اشاره می‌کند. بوردیو (Bourdieu) فرهنگ جمعی و مشترک افراد یک نسل را مهم می‌داند و بالس (Bollas) بر ابژه‌های مشترک، به عنوان عامل تعیین‌کننده در تمایز نسل‌ها، صحنه می‌گذارد. کرتزر (Kertzer) تعاریف متعدد ارائه شده از نسل را در قالب چهار رویکرد طبقه‌بندی می‌کند: نسل به مثابه نسبت خویشاوندی، نسل به مثابه افراد گروه هم‌دوره، نسل به مثابه مرحله زندگی، و نسل به مثابه دوره تاریخی (190-125: 1983).

در حوزه مطالعات خانواده، به طور کلی نسل فاصله سنی میان والدین و فرزندان آن‌ها را دربرمی‌گیرد که شامل مدت زمانی میان بیست تا سی سال است. از این‌رو، حضور حداقل سه نسل در زندگی هر فرد مطرح می‌شود: فرزندان، والدین، و والدین والدین (بالس، ۱۳۸۰). به نظر شارون، زمانی که فرد متولد می‌شود دارای اهمیت است؛ زیرا افراد در دوره‌ای تاریخی قرار می‌گیرند که نسلی شروع به شکل دادن دیدگاه‌های آنان می‌کند (۱۳۸۲). شفرز معتقد است جوانی، به رغم دارا بودن معنایی زیست‌شناختی، دوره‌ای اجتماعی و فرهنگی نیز هست. دوره‌ای که فرد شرایط لازم را برای کنش مستقل در تمام عرصه‌های زندگی کسب می‌کند (۱۳۸۳: ۲۳). این دوره تاریخی افراد را با دیدگاه‌های آن نسل در سراسر زندگیشان پیوند می‌دهد و در بسیاری از باورهای آن‌ها اثر می‌گذارد (به نقل از ساروخانی و صداقتی فرد، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۳).

در رویکرد نسلی (generation approach)، جوانان به عنوان یک نسل می‌توانند در ارتباط با هر یک از عناصر ذکرشده تعریف شوند. در این رویکرد، جوانی یک «مرحله زندگی» است که ویژگی‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی خاصی آن را از مراحل دیگر رشد متمایز می‌سازد. در کنار توصیف‌هایی که از ویژگی‌های فردی و گروهی افراد این گروه سنی یا درواقع در این مرحله از زندگی ارائه می‌شود، تحلیل گذار جوانان به دنیای بزرگسالی موضوع محوری است. این رویکرد مسئله اصلی در مطالعه گذار را تداوم‌یافتن یا تداوم‌نیافتن ارزش‌های نسلی می‌داند و از نظریه اجتماعی شدن، به عنوان رویکرد نظری مسلط، بهره می‌گیرد (ذکایی، ۱۳۸۸: ۳۱-۳۲).

بر اساس این معیار (تداوم‌یافتن یا تداوم‌نیافتن ارزش‌ها)، دو دیدگاه نظری در مورد وضعیت نسلی در ایران ارائه شده است. یک دیدگاه فقدان بازتولید فرهنگی به دست نسل‌های جدید را نشان‌دهنده انقطاع بین نسل‌ها می‌داند. این دیدگاه نگرشی ساختاری به فرهنگ معاصر دارد و آنچه را نسل‌های جدید تولید می‌کنند فاقد انطباق با ارزش‌های نسل گذشته می‌داند. اما دیدگاه دوم معتقد است آنچه در ایران امروز وجود دارد انقطاع نسلی و در نتیجه انقطاع فرهنگی نیست، بلکه شکاف بین نسل‌هاست. بر اساس این دیدگاه، شکاف همیشه میان نسل‌ها رخ داده و ضرورت زندگی تاریخی بشر است. این شکاف ناشی از افزایش قدرت ذخیره‌سازی اطلاعات و دانش در بشر است و تغییر اجتماعی و پیشرفت در حوزه‌های تکنولوژیک و معرفتی مرهون همین فرایند است (عبداللهیان، ۱۳۸۲: ۲۵۲-۲۵۳). بر این مبنای، برای دستیابی به تصویری روشن‌تر در مورد

فهم وضعیت نسلی در ایران می‌توان به سه دیدگاه موجود در این زمینه اشاره کرد: توافق نسلی، گسست نسلی، و تغییر نسلی. توافق نسلی، و در حالت حداکثری آن انطباق نسلی، در صورتی پیش می‌آید که نسل‌ها بر اساس بستر واحد فرهنگی و وحدت رویه صورت‌های عملی یکسانی داشته باشند و نوعی توافق اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته باشد. گسست نسلی، و در حالت حداکثری آن انقطاع نسلی، در وضعیتی شکل می‌گیرد که نسل‌ها امکان تعامل و رابطه با یکدیگر را ندارند. تغییر نسلی (تفاوت، تضاحم، و تعامل نسلی توأمان) در شرایطی پیش می‌آید که نسل‌ها، با توجه به درک و فهمی که از اوضاع و موقعیت‌های پیرامونی دارند، دارای هویت مستقل می‌شوند و در عین حال، به لحاظ حضور هم‌زمان، رابطه‌ی تعاملی پیدا می‌کنند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۴۹-۵۶).

علاوه بر این اصطلاحات، از اصطلاح شکاف نسلی (generation gap) نیز در تبیین روابط بین‌نسلی استفاده می‌شود. در فرهنگ آکسفورد، شکاف نسلی به عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمندتر تعریف شده است که موجب فقدان فهم متقابل آنان از یکدیگر می‌شود. در فرهنگ وبستر نیز شکاف نسلی به عنوان اختلافی گسترده در خصلت‌ها و نگرش‌های میان نسل‌ها تعریف شده است. گاهی نیز مفاهیم شکاف نسلی، گسست نسلی، و انقطاع نسلی به جای یکدیگر به کار رفته‌اند. به هر حال در تمایز این مفاهیم تعاریف دقیقی ارائه نشده است، اما شاید بتوان گفت مفهوم گسست یا انقطاع نسلی به بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین اختلاف میان نسل‌ها اشاره دارد. در حالی که منظور از شکاف نسلی، وجود وجوه نازل‌تر چنین اختلافی میان نسل‌هاست (معیدفر، ۱۳۸۳: ۵۶-۵۷). برناردز (Bernardes) در باب شکاف نسلی معتقد است بسیاری از خانواده‌های مدرن دربرگیرنده سه نسل‌اند که ممکن است بین آن‌ها شکاف به وجود آید: شکاف میان پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و فرزندان، شکاف میان زن و شوهرها با فرزندان نوجوان و جوان خود، و شکاف میان پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها با نوه‌هایشان. نسل پدرها و مادرها به وضوح خود را نسل بینابین تلقی می‌کنند که هم با نسل بزرگ‌تر و هم با نسل کوچک‌تر اختلاف نظر دارند (1997: 165).

در یک تقسیم‌بندی منطقی می‌توان روابط بین‌نسلی را، بر مبنای تفاوت در ارزش‌های بنیادین مثل تفاوت در جهان‌بینی (جهان‌بینی دینی یا جهان‌بینی مادی) و تفاوت در رفتار بیرونی، مطابق جدول ۱ تفکیک کرد:

جدول ۱. انواع روابط بین نسلی

تفاوت در نحوه رفتار بیرونی	تفاوت در ارزش‌های بنیادین	معیار تقسیم‌بندی
		انواع روابط بین نسلی
-	-	توافق نسلی
√	-	تغییر نسلی (تفاوت، نزاحم، و تعامل توأمان)
-	√	شکاف یا گسست نسلی پنهان
√	√	شکاف یا گسست نسلی آشکار

روابط نسلی از سوی منابع و نهادهای مختلف دست‌اندرکار جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری افراد جامعه شکل داده می‌شود. یکی از این منابع رسانه‌ها هستند. رسانه‌ها می‌توانند از طریق دو کارکرد متفاوت؛ یعنی «انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی و ارزش‌های سنتی به نسل جدید» و «تزیق الگوهای نوین به جای فرهنگ‌ها، ارزش‌ها، و الگوهای سنتی» در روابط نسلی تأثیرگذار باشند. در کارکرد نخست، رسانه‌ها شیوه‌هایی را که افراد از طریق آن زندگی اجتماعی را تفسیر می‌کنند و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند، با کمک نظم‌دادن به تجربه ما از زندگی اجتماعی، قالب‌ریزی می‌کنند. رسانه‌ها از این طریق، ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی و اجتماعی را به نسل جدید انتقال می‌دهند و آن را درونی می‌کنند. اما در کارکرد دوم، رسانه‌ها به عنوان عاملان تغییر و تحول در ارزش‌ها و هنجارها مطرح هستند. به طوری که سنت‌ها را به چالش می‌کشند و خود به عنوان مانعی در انتقال تجربیات نسل گذشته به نسل جدید عمل می‌کنند. پس رسانه‌ها می‌توانند عملکردی دوگانه در خصوص مسئله روابط نسلی داشته باشند (یوسفی، ۱۳۸۸: ۸). البته باید توجه کرد که رسانه‌ها هر دو کارکرد را با ارائه «نمایشی از واقعیت» (Branston, 2002: 150) انجام می‌دهند. به عبارتی آنچه در رسانه‌ها بازنمایی می‌شود تقلیدی صرف از واقعیت نیست، بلکه جهت‌گیری خاصی از آن است و این بازنمایی جهت‌گیرانه توان آن را دارد که سوژه‌هایی را متناسب با ساختار معنایی دلخواه خود بسازد (Danesi, 2004: 16). در میان رسانه‌های مختلف، تلویزیون با توجه به دامنه مخاطبانش جایگاه خاصی در جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری افراد جامعه دارد. به تعبیر گربرنر (Gerbner)، جامعه تلویزیونی شده به شدت در حال فراگیر شدن در سطح جهان است (1998: 177). همانند پیام‌های سایر رسانه‌ها، متون تلویزیونی نیز با ارزش‌های

سازندگان آن رمزگذاری شده‌اند و آنچه از این طریق بازنمایی می‌شود، نه تمام واقعیت که فقط بخش خاصی از آن است (Kress and Van Leeuwen, 1996: 79). تلویزیون همچنین می‌تواند به مثابه یک وسیله آموزشی نیز عمل کند. این رسانه، به عنوان ابزاری برای یادگیری توأمان، هم به عنوان ابزار قاعده‌مندسازی و هم به عنوان ابزار مقاومت عمل می‌کند. هویت‌ها در آن مورد تأکید قرار می‌گیرند و ارزش‌ها، از جنسیت گرفته تا تمایل جنسی و از نسل گرفته تا قومیت، برجسته می‌شوند. بر سر آن‌ها کشمکش صورت می‌گیرد و سپس بر روی آن‌ها کار می‌شود. ساختارهای مراقبتی تلویزیون و اخلاقیات آن در همه اجزا قصد دارند کلیه مخاطبان را به مثابه فرد مورد خطاب قرار دهند (Briggs, 2010: 150). به زعم الیس (Ellis)، تأکید بر این نکته مهم است که امروزه تلویزیون بخشی مأنوس از تجربه خانگی هر فرد در جهان توسعه‌یافته است. موقعیت خانگی ویژه تلویزیون بدان معناست که بیشتر اوقات سطح پایینی از توجه مخاطب را به خود اختصاص می‌دهد، اما این سطح پایین مشابه توجهی است که به بیشتر موارد دیگر (و حتی بیشتر افراد دیگر) در فضای خانگی می‌شود. تلویزیون در فضای صمیمی افراد رخنه کرده و قدرت آن هم در همین مسئله نهفته است (1999: 68).

یوسفی در خصوص نقش تلویزیون در روابط نسلی سه دیدگاه خوشبین‌ها، بدبین‌ها، و میانه‌روها را از هم تفکیک کرده است. طرفداران دیدگاه خوش‌بینانه، ضمن تأکید بر نقش مثبت رسانه‌ها در انتقال ارزش‌ها در بین نسل‌ها، اعتقاد دارند تلویزیون از طریق سازوکارهای مشخصی به تلطیف روابط بین نسل‌ها کمک می‌کند. این سازوکارها عبارت‌اند از: تأثیر در فرهنگ و جامعه‌پذیری؛ تأثیر آن به عنوان رسانه‌ای فرهنگ‌ساز در انتقال فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی؛ تأثیر در ایجاد هم‌بستگی، هم‌رنگی، و شبیه‌سازی در جامعه و خانواده؛ تأثیر در ایجاد کنش متقابل بین افراد خانواده، و بالأخره ایجاد وحدت ارزشی. از نظر بدبین‌ها، تلویزیون به واسطه ایجاد شرایط و بسترهایی می‌تواند باعث بروز شکاف در ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی شود و روابط نسلی را به مخاطره اندازد. این بسترها عبارت‌اند از: اختلال در انتقال ارزش‌های فرهنگی، عرفی‌کردن ارزش‌ها، تقویت فردگرایی و ایجاد شخصیت‌های دگرسویه، افزایش جهان - محلی شدن (glocalization) جوانان، ساختارشکنی در جامعه و خانواده، ایجاد تنش در خانواده، کاهش نقش تربیتی والدین، تغییر سبک‌های زندگی، تأثیرات روانی منفی، و تغییر ارزش‌ها. میانه‌روها تلویزیون را واجد تأثیرات مثبت و منفی توأمان، بر حسب مورد، در

روابط نسلی می‌دانند و معتقدند بحران‌های نسل‌ها پشت سر گذاشته می‌شود و جامعه در صورت‌بندی جدیدی تعامل نسل‌های خود را بازمی‌یابد. او نتیجه می‌گیرد:

در نهایت، آنچه از بررسی منابع و پژوهش‌های انتشاریافته در زمینه تأثیر تلویزیون در روابط نسل‌ها می‌توان استنتاج کرد این است که با وجود نقش دوگانه تلویزیون، در مجموع تأکید بیشتری بر نقش گسست‌زای این رسانه در تعاملات ارزشی نسل‌ها شده است (۱۳۸۸: ۹۱).

تأثیرگذاری تلویزیون در روابط نسلی از طریق ژانرهای مختلف آن امکان‌پذیر می‌شود، اما در این میان ژانر سریال با توجه به پرمخاطب‌بودن و ظرفیت آن برای رمزگذاری پیام‌ها به صورت غیر مستقیم اهمیت خاصی پیدا می‌کند.

سریال‌های تلویزیونی با طرح روایت‌های مختلف، تثبیت معنای نشانه‌ها، و طبیعی جلوه‌دادن برخی رفتارها و نگرش‌ها در پی برجسته‌سازی گفتمان مورد نظر تلویزیون در حوزه‌های مختلف هستند. در کلان‌ترین سطح، سریال‌های تلویزیونی روایت‌های مختلفی را از دنیای پیرامون مخاطبان مطرح می‌کنند که با تحلیل آن‌ها می‌توان متوجه نحوه بازنمایی یک مسئله و روایتی شد که مخاطبان به پذیرش آن دعوت می‌شوند. اوحادی بر اهمیت روایت نسبت به سایر جنبه‌های فیلم و سریال تأکید می‌کند و چنین می‌نویسد:

اصولاً فیلم‌های بلند نخست بر حسب روایت درک و دریافت می‌شوند و هر چیز دیگری جنبه ثانوی دارد. جلوه‌های تماشایی، میزانشن‌های پیچیده، صحنه‌پردازی‌های باشکوه، و طرح‌های هوشمندانه در القای زمان و فضا همه جزئی از روایت‌اند (۱۳۹۱: ۱۵).

گفتنی است که تمرکز پژوهش حاضر بر متن به معنای نادیده‌گرفتن فعالیت مخاطبان در تعامل با این متن نیست و مخاطبان متأثر از متغیرهای فردی و اجتماعی، نحوه مصرف، و چگونگی مواجهه با متن می‌توانند گفتمان و روایت ارائه‌شده را بپذیرند یا آن را تعدیل و یا رد کنند.

۳. روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از روش تحلیل روایت سریال‌های تلویزیونی در خصوص روابط بین‌نسلی جوانان و افراد بزرگسال (با تأکید بر والدین) انجام شده است. علت استفاده از تحلیل روایت آن است که تجربه پژوهشگر در بررسی‌های اکتشافی از نحوه مواجهه

مخاطبان با سریال‌های تلویزیونی حاکی از آن بود که مخاطبان سریال‌ها را، پیش و بیش از هر عنصر دیگری، از طریق روایت آن‌ها درک می‌کنند. از میان تعاریف مختلفی که برای روایت (narrative) ارائه شده است، شاید ساده‌ترین و در عین حال کامل‌ترین تعریف متعلق به تولان (M. Toolan) باشد. به گفته او، روایت عبارت است از «توالی از پیش‌انگاشته‌شده رخدادهایی که به طور غیر تصادفی به هم اتصال یافته‌اند». در واقع در بطن هر روایت دو ویژگی بسیار مهم دیده می‌شود: علیت و زمان‌مندی و واژه‌های «غیر تصادفی» و «توالی» در تعریف فوق بیانگر همین نکته‌اند (به نقل از بارت، ۱۳۸۷: ۹). برای تحلیل روایت، مدل‌های مختلفی وجود دارد که بیشتر متوجه ساختار آن است. از میان محدود مدل‌هایی که به محتوای روایت توجه کرده‌اند، مدل ویلیام لایبوف (W. Labov) بیش از سایر مدل‌ها اهداف پژوهش حاضر را تأمین می‌کند. لایبوف، یک روایت کامل را متشکل از شش جزء کارکردی متمایز می‌داند که عبارت‌اند از: انتزاع (abstract)، جهت‌گیری (orientation)، کنش پیچیده‌کننده (complicating action)، ارزیابی (evaluation)، نتیجه یا راه‌حل (result or resolution)، و کد یا پایان (coda) (به نقل از ذکایی، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۴).

انتزاع نمای کلی روایت را به شکل کاملاً خلاصه به دست می‌دهد. جهت‌گیری شرکت‌کنندگان (شخصیت‌ها) و موقعیت‌ها، به خصوص موقعیت‌های زمانی و مکانی، را در روایت مشخص می‌کند. کنش پیچیده‌کننده تنها عنصر ضروری هر روایت و رویدادی است که وضعیت را از حالت عادی خارج و پیچیدگی لازم را برای خلق روایت فراهم می‌کند. ارزیابی برجسته‌ترین مؤلفه دخالت راوی و دربرگیرنده همه ابزارهایی است که برای به‌اثبات‌رساندن و حفظ نکته اصلی روایت و نیز اهمیت بافتی و قابلیت بازگویی یا گزارش‌پذیری آن به کار می‌رود. منظور از راه‌حل راهکار پیشنهادی روایت برای حل مشکل ناشی از کنش پیچیده‌کننده است و در عنصر کد به نتیجه راه‌حل و پایان روایت توجه می‌شود (تولان، ۱۳۸۶: ۲۶۵-۲۸۴).

سریال‌های مورد بررسی در این پژوهش، با در نظر گرفتن دو معیار پربیننده‌بودن (با تعریف عملیاتی داشتن بیش از ۶۰ درصد مخاطب) و مطرح بودن مسائل جوانان به عنوان تم اصلی یا یکی از تم‌های اصلی سریال، از میان سریال‌های پخش‌شده از صدا و سیما در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. اطلاعات مربوط به سریال‌های انتخاب‌شده در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. پربیننده‌ترین سریال‌های ایرانی پخش شده از تلویزیون با محوریت مسائل جوانان در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳^۴

نام سریال	سال پخش	تعداد قسمت‌ها	متوسط میزان بیننده (درصد) ^۵	موضوع محوری داستان ^۶ سریال
نرگس	۱۳۸۵	۶۹	۷۸/۶	روابط پیش و پس از ازدواج جوانان و روابط جوانان با افراد بزرگسال
ترانه مادری	۱۳۸۷	۴۷	۶۴/۳	روابط پیش از ازدواج جوانان و روابط جوانان با والدین
دل‌نوازان	۱۳۸۸	۴۸	۷۴/۶	روابط پیش و پس از ازدواج جوانان و روابط جوانان با افراد بزرگسال
فاصله‌ها	۱۳۸۹	۳۷	۷۰/۲	روابط پیش از ازدواج جوانان و روابط جوانان با افراد بزرگسال به‌خصوص والدین
مادرانه	۱۳۹۲	۲۷	۶۶/۹	روابط پیش از ازدواج جوانان و روابط جوانان با والدین

۴. یافته‌های تحقیق

تحلیل روایت سریال‌های تلویزیونی انتخاب شده از روابط بین نسلی (روابط بین جوانان و نسل قبل، به‌ویژه والدین) حاکی از آن است که بارزترین موارد این روابط در سریال‌های مورد بررسی در قالب یکی از الگوهای ذیل صورت‌بندی شده است:

۱. توافق نسلی: روابط دوستانه متقابل بر مبنای ارزش‌های مشترک؛
۲. تغییر یا تفاوت نسلی: روابط مبتنی بر تفاوت، تضاد، و تعامل هم‌زمان؛
۳. شکاف نسلی: روابط مبتنی بر تعارض و اختلاف (به صورت پنهان یا آشکار).

۱.۴ توافق نسلی: روابط دوستانه متقابل بر مبنای ارزش‌های مشترک

این نوع رابطه در سریال‌های مورد بررسی مبتنی بر توافق در خصوص ارزش‌های بنیادین و نحوه رفتار بیرونی است. رابطه‌ای آرام و صمیمی بر پایه فهم صحیح طرفین از جایگاه، وضعیت، و موقعیت طرف مقابل؛ ارزش‌های مشترک؛ و ویژگی‌هایی چون صداقت، خیرخواهی، دلسوزی، محبت، حمایت و احترام دوطرفه در سایه گفت‌وگو و درک متقابل. در این حالت، جوانان و افراد بزرگسال شخصیتی کاملاً مثبت دارند و نگرش و رفتار آن‌ها مورد تأیید و رضایت طرف مقابل است. مسئله ازدواج جوانان مهم‌ترین مسئله‌ای است که این الگو در ارتباط با آن بازنمایی شده است. در خصوص غیاب بازنمایی در این نوع رابطه، دو نکته قابل توجه است. اول آن‌که جوانان همه این رابطه‌ها دختران هستند. به عبارت

دیگر، در سریال‌های مورد بررسی نمونه‌ای از الگوی توافق نسلی بین پسران جوان و والدین آن‌ها دیده نمی‌شود و پسران جوان اغلب فرزندان ناسازگار با والدین بازنمایی شده‌اند. نکته دوم آن‌که الگوی توافق نسلی در سریال‌های مورد بررسی در خانواده‌هایی نشان داده شده است که یکی از والدین فوت کرده‌اند (پدر نرگس و مهتاب و مادر نغمه). جزئیات مربوط به این نوع رابطه در سریال‌های مورد بررسی در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. روابط مبتنی بر توافق نسلی در سریال‌های ایرانی پریننده با محوریت جوانان

الگوی رابطه (انتزاع)	شخصیت‌ها و سریال	شرح رابطه در سریال (وضعیت)	نتیجه (پایان)	موضع سریال (ارزیابی)
	نرگس و مادرش (نرگس)	رابطه نرگس و مادرش بر درک نرگس از شرایط زندگی (به‌ویژه وضعیت اقتصادی نه‌چندان مناسب خانواده و کارکردن مادر) و مراقبت او از مادرش (که بیماری قلبی دارد) و دلسوزی و اطمینان خاطر مادر نسبت به نرگس استوار است. در ماجرای درخواست ازدواج احسان از نرگس، مادر اجازه می‌دهد که نرگس به‌تنهایی با احسان صحبت کند؛ چون به او اعتماد دارد. او همچنین به نرگس کمک می‌کند که تصمیم صحیحی در مورد احسان بگیرد.	ازدواج نرگس با احسان با رضایت مادر و خوشبختی او	خوب‌نمایی رفتار هر دو طرف
توافق نسلی	نغمه و پدرش (ترانه مادری)	رابطه نغمه و پدرش نمونه کامل روابط دوستانه بین پدر و دختر است. نغمه از همان آغاز آشنایی با هم‌کلاسی دانشگاهی خود (پویا) و نیز در همه مراحل بعدی، مسئله را با پدرش در میان می‌گذارد و نظر او را می‌خواهد و پدر نیز با رفتاری مهربان، صمیمی، و دور از تعصب بی‌جا به دخترش کمک می‌کند. نغمه نیز همانند یک مادر از پدر بیمارش مراقبت و به او محبت می‌کند و پذیرای راهنمایی‌های او است.	اتخاذ بهترین تصمیم در خصوص پویا با مشورت پدر و بازیابی سلامت پدر در نتیجه مراقبت‌های نغمه	خوب‌نمایی رفتار هر دو طرف
	مهتاب و مادرش (دل‌نوازان)	رابطه مهتاب و مادرش مبتنی بر دلسوزی، مراقبت، و حمایت متقابل است. مهتاب کاملاً مراقب سلامت مادر است که بیماری قلبی دارد و حتی در مقطعی تصمیم می‌گیرد که کلاً از ازدواج صرف‌نظر کند و کنار مادرش بماند. مادر نیز با همه وجود نگران وضعیت مهتاب (عشق یک‌طرفه مهتاب به پسردایی‌اش بهزاد) و خواستار خوشبختی او (به‌خصوص در مسئله ازدواج) است و در این راه تلاش می‌کند.	بهبود نسبی بیماری مادر در نتیجه مراقبت‌های مهتاب، ازدواج مهتاب با دکتر زنده، و خوشبختی او	خوب‌نمایی رفتار هر دو طرف

۲.۴ تغییر یا تفاوت نسلی: روابط مبتنی بر تفاوت، تزاخم، و تعامل هم‌زمان

این نوع رابطه در سریال‌های مورد بررسی مبتنی بر توافق در ارزش‌های بنیادین و تفاوت در نحوه رفتار بیرونی است. این رابطه بر پایه خیرخواهی والدین برای جوانان (صرف‌نظر از درست یا نادرست بودن شیوه بروز آن) و فقدان پذیرش جوانان است. در این نوع از رابطه، جوانان و افراد بزرگ‌سال سریال‌ها نمی‌توانند به‌آرامی درباره مسائل و مشکلات فی‌مابین یا مشکلات جوانان در خارج از خانه با هم گفت‌وگو و توافق کنند و اغلب در ارتباط آن‌ها با یک‌دیگر سوء تفاهم ایجاد می‌شود. شخصیت‌های درگیر در این نوع رابطه، خاکستری یا سفید (مثبت) هستند. مسئله ازدواج و روابط پیش از آن در این الگو نیز مسئله اصلی بازنمایی شده است. در خصوص این نوع رابطه نیز دو نکته قابل توجه است. اول آن‌که در هر دو رابطه بازنمایی شده از این نوع، دست بر قضا جوانان نه فرزند واقعی که فرزندخوانده خانواده هستند و دوم آن‌که جوانان درگیر در این نوع رابطه پسران هستند و نه دختران. جزئیات مربوط به این نوع رابطه در سریال‌های مورد بررسی در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. روابط مبتنی بر تفاوت نسلی در سریال‌های ایرانی پربیننده با محوریت جوانان

موضوع سریال (ارزیابی)	نتیجه (پایان)	شرح رابطه در سریال (وضعیت)	شخصیت‌ها و سریال	الگوی رابطه (انتزاع)
بدنمایی رفتار هر دو طرف	تنش زیاد در روابط پویا و مادرش و در نهایت بهبترشدن رابطه آن‌ها بر اثر متعادل‌شدن رفتار هر دو طرف، به‌خصوص مادر	مادر پویا از جوانش مثل یک بچه کوچک مراقبت می‌کند. علاوه بر این، او بارها سراغ وسایل شخصی پویا می‌رود و او را چک می‌کند. تلفنش را شنود می‌کند، جیب‌هایش را می‌گردد، و در توجیه همه این رفتارها می‌گوید: «من فقط دوستش دارم». پویا هم از این وضعیت بسیار ناراضی است، اما اوایل چیزی نمی‌گوید. ماجرای آشنایی پویا و نغمه این رابطه به‌ظاهر آرام را به هم می‌زند و مشکلات فراوانی بین پویا و مادرش به‌وجود می‌آورد که با نصیحت‌ها	پویا و مادرش (ترانه مادری)	تفاوت نسلی

موضوع سریال (ارزیابی)	نتیجه (پایان)	شرح رابطه در سریال (وضعیت)	شخصیت‌ها و سریال	الگوی رابطه (انتزاع)
		و راهنمایی‌های مادر بزرگ، سیمرا، پدر پویا، و تجدید نظر هر دو طرف در رفتار خود نسبت به طرف مقابل حل می‌شود.		
خوب‌نمایی رفتار والدین و بدنمایی رفتار بهزاد	به‌قتل رسیدن پدر (پدرخوانده) در جریان کمک به پسر، نجات زندگی بهزاد با تلاش پدر و مادر، و پشیمانی بهزاد	پدر و مادر بهزاد افرادی خیرخواه، منطقی، و جدی‌اند. آن‌ها مخالف ازدواج بهزاد و یلدا هستند، اما پس از ازدواج و بروز تنش در روابط آن دو سعی می‌کنند آن‌ها را به بهترین مسیر راهنمایی و در حل مشکلات عملاً به آن‌ها کمک کنند. در نهایت هم این پدر و مادر بهزاد هستند که با از خودگذشتگی، زندگی بهزاد و یلدا را به سامان می‌کنند. رفتار بهزاد اما در اغلب موارد حاکی از فقدان پذیرش است. او در دیالوگی مشکلات بین خود و پدر و مادرش را ناشی از «تفاوت نسلی» می‌داند.	بهزاد و پدر و مادرش (دل‌نوازان)	

۳.۴ شکاف یا گسست نسلی

۳.۱.۴ شکاف نسلی پنهان

این نوع رابطه در سریال‌های مورد بررسی مبتنی بر تفاوت در ارزش‌های بنیادین جوانان و افراد بزرگ‌سال است. از نمود پیدانکردن این تفاوت در رفتار جوانان و افراد بزرگ‌سال، به شکاف نسلی پنهان تعبیر شده است. در این حالت، اغلب درباره تفاوت دیدگاه‌ها (به‌خصوص از سوی جوانان) سکوت می‌شود و عمدتاً معیارهای مورد نظر افراد بزرگ‌سال در روابط حکمفرماست. جوانان در این الگو شخصیت‌هایی سفید (مثبت) یا خاکستری دارند، اما شخصیت افراد بزرگ‌سال یا مثبت است یا منفی. جزئیات مربوط به این نوع رابطه در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. روابط مبتنی بر شکاف نسلی پنهان در سریال‌های ایرانی پربیننده با محوریت جوانان

موضوع سریال (ارزیابی)	نتیجه (پایان)	شرح رابطه در سریال (وضعیت)	شخصیت‌ها و سریال	الگوی رابطه (انتزاع)
خوب‌نمایی رفتار هر دو طرف	حل مشکلات بین پویا و بهرام با والدین خود به کمک مادر بزرگ	مادر بزرگ حامی پویا و بهرام (نوه‌هایش) در مقابل طمع فرخ به خانه‌باغ بزرگی است که به آن‌ها به ارث رسیده است. او همچنین نحوه رفتار فرزندان و نوه‌های خود را با هم زیر نظر دارد و اشتباهات هر دو طرف را به گونه‌ای مناسب گوشزد می‌کند. رفتار مادر بزرگ با پویا و بهرام کاملاً منطبق بر اصول روان‌شناسی تربیت جوانان است. رفتار پویا و بهرام با مادر بزرگ نیز توأم با احترام و پذیرش است.	پویا و بهرام و مادر بزرگ (ترانه مادری)	
بازنمایی خشتی از رفتار لادن و بدنمایی رفتار پدر	اطلاع لادن از استفاده ابزاری پدر از او و ناراحتی و سکوتش در مقابل پدرش	پدر از علاقه مباشرش به لادن سوءاستفاده می‌کند. او از یک سو ماجرا را از لادن مخفی می‌کند و از سوی دیگر، مباشر (پناهی) را دو سال در انتظار می‌گذارد و از او بیگاری می‌کشد، به این امید که قضیه را به دخترش خواهد گفت. با آشکار شدن موضوع، پدر مسئله را به شوخی می‌کشد. لادن به رغم ناراحتی، عکس‌العمل خاصی نشان نمی‌دهد. رفتار لادن با پدر توأم با احترام و ترس است.	لادن و پدرش (ترانه مادری)	شکاف نسلی پنهان
خوب‌نمایی رفتار هر دو طرف	نجات سعید از انحراف (رابطه با بیبا) با راهنمایی و کمک عمو	حاج‌رضا با رفتاری دوستانه نقش بزرگ‌تری آگاه، مهربان، خیرخواه، ناصح، و حامی را ایفا می‌کند که نحوه گفتار و رفتار مناسب با جوانان را می‌داند. متقابلاً برخورد سعید با	سعید و عمویش (فاصله‌ها)	

		حاج‌رضا هم برخوردی مبتنی بر مراجعه، احترام، و پذیرش است. حاج‌رضا اغلب در درگیری‌های سعید و پدرش میانجی می‌شود و مسائل را با صحبت جداگانه و نصیحت هر دو طرف فیصله می‌دهد. در ماجرای رابطه سعید و بیتا هم، راهنمایی‌ها و کمک حاج‌رضا در حل مشکل پدر بیتا باعث می‌شود که سعید متوجه ماهیت واقعی بیتا شود و خود را از این رابطه و عواقب آن نجات دهد.	
خوب‌نمایی رفتار زهره و نیما و بدنمایی رفتار پدر	کوتاه‌آمدن نیما و زهره در مقابل پدر و اصرار آن‌ها به کسب رضایت پدر برای ازدواج و رضایت پدر	پدر نیما بعد از آزادی از زندان با ازدواج نیما و زهره، که در زمان زندانی بودن او عقد کرده‌اند، مخالفت می‌کند. او همچنین در مغازه نیما و در کنار او مشغول کسب‌وکار دیگری می‌شود و با رواج کسب خود از نیما می‌خواهد که کارش را کنار بگذارد. نیما هم از روی ناچاری مغازه را تخلیه می‌کند. با این وجود، رفتار نیما و زهره با فرهاد از روی احترام است و درنهایت هم فرهاد، تحت تأثیر همین مسئله، به ازدواج آن‌ها رضایت می‌دهد.	نیما و پدرش و زهره و پدرش (فصله‌ها)

۲.۳.۴ شکاف نسلی آشکار

در این نوع از رابطه نیز هم ارزش‌های بنیادین جوانان و افراد بزرگ‌سال متفاوت است و هم رفتارهای بیرونی آنان (حالت تعارض و اختلاف بین جوانان و افراد بزرگ‌سال). بر این اساس، بین جوانان و افراد بزرگ‌سال اغلب بحث‌های شدیدی درمی‌گیرد. منشأ اختلافات در اکثر موارد ارتباط جوانان با یک‌دیگر (دوستان یا روابط پیش از ازدواج) و در برخی موارد نیز مسائل مادی است. در این نوع از رابطه نیز شخصیت‌ها، اعم از جوان و بزرگ‌سال، طیفی از سفید (مثبت)، خاکستری، و سیاه (منفی) را دربرمی‌گیرند. جزئیات مربوط به این نوع رابطه در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶. روابط مبتنی بر شکاف نسلی آشکار در سریال‌های ایرانی پربیننده با محوریت جوانان

موضوع سریال (ارزیابی)	نتیجه (پایان)	شرح رابطه در سریال (وضعیت)	شخصیت‌ها و سریال	الگوی رابطه (انتزاع)
خوب‌نمایی رفتار مادر و بدنمایی رفتار نسرین	نتیجه‌ندادن دلسوزی‌های مادر برای نسرین، ازدواج نسرین با بهروز، و طلاق آن‌ها	رابطه نسرین و مادرش رابطه‌ای مبتنی بر دلسوزی و نصیحت از طرف مادر و فقدان پذیرش، در اغلب موارد، از سوی نسرین است. نسرین وضعیت مادر و وضعیت اقتصادی خانواده را درک نمی‌کند و بلندپرواز و زیاده‌خواه است. او همچنین دوستی به نام میترا دارد که به لحاظ ظاهر و رفتار و خانواده مورد تأیید مادر نیست. مادر همچنین مخالف رابطه پیش از ازدواج بهروز و نسرین و ازدواج آن‌هاست. این مسائل باعث بگومگوهای بین نسرین و مادر می‌شود، اما نسرین پذیرشی ندارد.	نسرین و مادرش (نرگس)	
بدنمایی رفتار هر دو طرف	ازهم‌پاشیدن زندگی بهروز در پدرش و پشیمانی بهروز و پدر	پدر تصمیم دارد که بهروز با دختر عمویش (آرزو) ازدواج کند و واسطه شراکت مالی او و عمو شود. بهروز پنهان از پدرش با نسرین ازدواج می‌کند. پدر بعد از اطلاع از ماجرا مصمم می‌شود که آن‌ها را از هم جدا کند. او طی نقشه‌ای بهروز را (مثلاً برای مدتی) به ایتالیا می‌فرستد. بهروز در ایتالیا ماندگار و نسرین با داشتن یک بچه به طور غیابی از بهروز جدا می‌شود.	بهروز و پدرش (نرگس)	شکاف نسلی آشکار
بازنمایی خشتی از رفتار مریم و بدنمایی رفتار پدر	حل شدن مشکلات مالی پدر مریم و صرف‌نظر کردن او از ازدواج اجباری دخترش و بازگشت مریم به خانه	مریم دختری ۱۷ ساله و بدسرپرست است که مادر بزرگ پویا و بهرام به او و پدرش رسیدگی می‌کنند. پدر مریم مانع ادامه تحصیل او می‌شود و قصد دارد به خاطر پول، او را به ازدواج یکی از طلبکارانش درآورد. مریم چند بار به دلیل ترس و استیصال به فکر خودکشی می‌افتد و بالأخره از خانه فرار می‌کند. با	مریم و پدرش (ترانه مادری)	

		پیگیری‌های مادر بزرگ و سمیرا، طلبکاران به پدر مریم مهلت می‌دهند و قضیه ازدواج او نیز منتفی می‌شود.	
بدنمایی رفتار هر دو طرف	تنش زیاد در روابط سعید و پدرش و سرانجام بهتر شدن رابطه آنها بر اثر متعادل شدن رفتار هر دو طرف	رابطه سعید و پدرش، در اغلب موارد، رابطه‌ای پرتنش توأم با جروبحث‌های شدید است. سعید سعی می‌کند کارهایش (کارهایی نظیر آشنایی با شهره، آشنایی و رابطه با بیتا، روابط کاری با ساسان، و ...) را از پدر مخفی کند و پدر با تجسس در کارهای او به همه چیز پی می‌برد و از سعید توضیح می‌خواهد. سعید هم اغلب در توجیه اشتباهاتش به نامناسب بودن رفتار پدر در قبال خود و توضیح تفاوت «نظر، و فکر، و نگاهش» با پدر می‌پردازد. گفت و گوی سعید و پدرش اغلب بعد از چند جمله به جروبحث منجر می‌شود.	سعید و پدرش (فاصله‌ها)
بدنمایی رفتار هر دو طرف	تنش در روابط وحید و پدرش و سرانجام بهتر شدن رابطه آنها بر اثر متعادل شدن رفتار هر دو طرف	رابطه وحید با پدر نیز اغلب مبتنی بر پنهان‌کاری وحید و مؤاخذه مستقیم پدر بعد از آگاهی از اشتباهات اوست. مثلاً پدر بعد از آگاهی از این‌که وحید سی‌دی‌های مستهجن تماشا می‌کند، به‌شدت با او برخورد می‌کند و سی‌دی‌های امانتی را می‌شکند و همین مسئله موجب تنش در روابط وحید و دوستش و اخراج او از مدرسه می‌شود. در مواردی هم که برخورد پدر با وحید از روی مهربانی و گفت‌وگوست (مثل ماجرای شرکت‌نکردن وحید در نماز جماعت مدرسه)، وحید به‌ظاهر و نه در عمل می‌پذیرد.	وحید و پدرش (فاصله‌ها)
خوب‌نمایی رفتار مادر و	تنش در روابط فرزند و مادرش	مادر از رفتارهای مبتنی بر زیاده‌خواهی فرزند و ارتباط او با رها به‌شدت دلگیر است و ضمن	فرزند و مادرش

<p>بدنمایی رفتار فرزاد</p>	<p>به علت رفتارهای بد فرزاد، برخورد جدی مادر با فرزاد، پشیمانی فرزاد، و اصلاح شدن او</p>	<p>آن‌که مرتب فرزاد را نصیحت می‌کند، عملاً نیز در جهت قطع رابطه او و رها اقدام می‌کند. فرزاد پذیرشی از مادر ندارد و در نهایت هم مادر او را نفرین و از خانه بیرون می‌کند. فرزاد پس از ماجرای مصرف مواد با رها، توهم رها و بیرون‌پریدنش از ماشین، به‌کم‌ارفتن او، و فراموشی پس از به‌هوش آمدن متنبه می‌شود و سراغ کسب‌وکار آبرومندانه‌ای می‌رود. مادر به دنبال فرزاد می‌رود و او را به دامان خانواده باز می‌گرداند.</p>	<p>(مادرانه)</p>
<p>بدنمایی رفتار هر دو طرف</p>	<p>موفق نبودن پدر در کمک به رها</p>	<p>رها قصد دارد همراه دوست پسر و مادر مطلقه‌اش به استرالیا برود. پدر که بعد از یک دوره بی‌توجهی به فرزندان و غرق شدن در کار، حالا توجه زیادی به بچه‌ها نشان می‌دهد؛ مانع او می‌شود و سعی می‌کند او را به خود جلب کند. رها که قبلاً معتاد بوده و حالا ترک کرده است، از خانه فرار می‌کند و مجدداً مواد مصرف می‌کند و بر اثر توهم از ماشین پایین می‌پرد و به‌کما می‌رود. او بعد از به‌هوش آمدن کسی را به‌خاطر نمی‌آورد. خانم مدیر مدرسه رها، که قبلاً نامزد پدر او بوده است، با پدر رها ازدواج می‌کند و با کمک او رابطه رها و پدرش و اوضاع کلی زندگی آن‌ها بهبود می‌یابد.</p>	<p>رها و پدرش (مادرانه)</p>

۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های این بررسی نشان داد که پربیننده‌ترین سریال‌های تلویزیونی، با محوریت جوانان در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ (با ویژگی‌های مدیریتی ذکر شده در کشور و سازمان صدا و سیما)، مسئله روابط بین‌نسلی جوانان و نسل‌های قبلی را در قالب سه الگوی توافق بین‌نسلی، تغییر یا تفاوت بین‌نسلی، و شکاف بین‌نسلی به صورت پنهان یا آشکار بازنمایی کرده‌اند.

بارزترین نمونه‌های روابط بین‌نسلی توافقی بین جوانان و والدینشان، روابطی را روایت می‌کنند که در آن هم جوانان به ارزش‌های نسل قبل احترام می‌گذارند و هم والدین خود را با اقتضائات زندگی نسل جدید وفق داده و انعطاف‌پذیری بیشتری از خود نشان می‌دهند. این رویه، چنان‌که ذکایی نیز اشاره کرده است، نتیجه اجتماعی شدن دوطرفه جوانان و والدین آن‌هاست (۱۳۸۸). نکته قابل توجه در خصوص روابط توافقی بازنمایی شده در سریال‌های تلویزیونی مورد بررسی، انعطاف‌پذیری قابل ملاحظه والدین نسبت به الگوهای سنتی است که بسیاری از ارزش‌ها و هنجارها را غیر قابل گفت‌وگو و انعطاف می‌دانند. شاهد این مدعا رفتار والدین در مورد روابط پیش از ازدواج دخترانشان است. در سریال *نرگس*، مادر نرگس به او اجازه می‌دهد به تنهایی و در یک کافی‌شاپ با احسان ملاقات و در خصوص ازدواج صحبت کند (البته احسان به همراه خواهرش که دوست نرگس است، به کافی‌شاپ می‌آید و صحبت‌ها در حضور او انجام می‌شود). پدر نغمه، در سریال *ترانه مادری*، پویا (هم‌کلاسی دخترش) را که به بهانه‌های مختلف مثل دادن جزوه به نغمه به در خانه آن‌ها مراجعه می‌کند، به منزل دعوت و با مهربانی و صمیمیت با او صحبت می‌کند. در سریال *دل‌نوازان* نیز مهتاب، که مادرش به او اطمینان کامل دارد، در شرایطی که مادر در خارج از کشور است با همکاریش دکتر زند قرار ازدواج می‌گذارد.

بارزترین نمونه‌های روابط بین‌نسلی حاکی از تغییر (تفاوت، تزاحم، و تعامل نسلی هم‌زمان) بر خلاف حالت قبلی در ارتباط با پسران جوان، که در هر دو مورد فرزندخوانده هستند، بازنمایی شده است. در سریال *ترانه مادری*، اختلافات پویا و مادرش بیشتر ناشی از رفتار مادر پویاست که عاطفه مادری خود را به صورت مراقبت و کنترل مداوم او نشان می‌دهد و در سریال *دل‌نوازان*، این شخصیت جوان سریال (بهزاد) است که با سوءتفاهم و خودرأیی به نصیحت‌های والدینش توجه نمی‌کند (به‌خصوص در امر ازدواج) و خود را به‌دردسر می‌اندازد.

روابط بین نسلی مبتنی بر شکاف یا گسست در سریال‌های مورد بررسی به دو شکل پنهان و آشکار نشان داده شده است. شکل پنهان این روابط، که در آن به رغم تفاوت ارزش‌های بنیادین در عمل تزاحمی مشاهده نمی‌شود، مربوط به حالتی است که طرفین به‌خصوص جوانان تفاوت دیدگاه خود را با افراد بزرگسال، که ناشی از تفاوت آشکار زیست‌جهان آن‌ها با افراد بزرگسال است، مسکوت می‌گذارند و اغلب به معیارهای بزرگسالان تن می‌دهند. علت این سکوت در مورد پسران جوان (پویا و بهرام در سریال

ترانه مادری و سعید و نیما در سریال *فاصله‌ها*)، احترام به افراد بزرگ‌سال و در مورد دختران جوان (لادن در *ترانه مادری* و زهره در *فاصله‌ها*)، ترس از افراد بزرگ‌سال است. شکل آشکار شکاف نسلی که در آن تفاوت در ارزش‌های بنیادین جوانان و افراد بزرگ‌سال به تفاوت در رفتار بیرونی و اختلاف، کشمکش، و بحث بین آنان منجر می‌شود؛ بیش از سایر الگوهای روابط بین‌نسلی بازنمایی شده است. در این الگو، که هر دو جنس را پوشش می‌دهد، جوانان زیست‌جهانی بسیار متفاوت از والدینشان دارند و برای حاکم شدن دیدگاه‌های خود (مثلاً درباره‌ی انتخاب دوستان یا روابط پیش از ازدواج) با افراد بزرگ‌سال وارد کشمکش می‌شوند. رفتارهای افراد بزرگ‌سال نیز اغلب مبتنی بر هشدارهای مستقیم و جروبحث با جوانان است و جایی برای گفت‌وگو و مفاهمه وجود ندارد. رفتارهای هر دو طرف، در اغلب مواردی که از این الگو پیروی می‌کنند، بدنمایی شده است.

به طور کلی، سریال‌های مورد بررسی الگوی روابط نسلی توافقی را خوب‌نمایی و سایر الگوها را (صرف‌نظر از تأیید رفتارهای حاکی از احترام جوانان به افراد بزرگ‌سال و خیرخواهی آن‌ها برای جوانان با شیوه‌های مناسب) بدنمایی کرده‌اند. در موارد بدنمایی شده نیز مسئله اغلب به اشتباهات جوانان یا والدین نسبت داده شده است و با نصیحت و کمک افراد بزرگ‌سال به جوانان و یا نصیحت و کمک «ریش‌سفیدان» به جوانان و والدینشان فیصله پیدا کرده و در غیر این صورت عواقب بدی برای افراد به‌همراه داشته است. این نحوه‌ی بازنمایی، به معنی تقلیل مسئله اجتماعی شکاف نسلی در سطح یک مسئله فردی است. سیاست‌های صدا و سیما در حوزه‌ی روابط نسلی^۷ نیز بیشتر متوجه مسکوت‌گذاشتن مسئله است تا بررسی ابعاد مختلف آن به عنوان یک مسئله اجتماعی. واقعیت آن است که مسئله روابط نسلی در زندگی روزمره جوانان و نسل قبلی مسئله‌ای جدی با ابعادی پیچیده است. بر اساس نتایج دو نظرسنجی انجام‌شده در سطح شهر تهران درباره‌ی نگرش جوانان به نحوه‌ی رابطه با والدینشان، ۴۲ درصد از جوانان ابراز داشته‌اند که محیط خانه برایشان خسته‌کننده است. همچنین حدود یک‌سوم آنان گفته‌اند که هیچ‌یک از والدینشان آن‌ها را درک نمی‌کنند. ۴۲/۷ درصد از جوانان تهرانی نیز حاضرند که به میزان «کم» و یا «بسیار کم» به شیوه‌ی پدرانشان زندگی کنند. علاوه بر این، حدود یک‌سوم آن‌ها ارزش‌های پدرانشان را حشو دانسته‌اند (۱۳۸۳: ۱۷۶-۱۸۱). به احتمال زیاد این تفاوت دیدگاه، تحت تأثیر گسترش عوامل افزایشنده شکاف نسلی در سال‌های اخیر، بیشتر نیز شده است. در چنین فضایی

سیاست‌بازنمایی مبتنی بر سکوت یا ساده‌سازی مسئله و حل آن با «ریش‌سفیدی»، نصیحت، و کمک افراد بزرگ‌سال در موضوعی که مخاطبان پیچیدگی آن را در زندگی روزمره خود لمس می‌کنند؛ سیاست مناسبی نخواهد بود. انتقادات مطرح‌شده در زمان پخش برخی از این سریال‌ها نیز بر همین مسئله تأکید کرده‌اند. به عنوان مثال بنابه گفته کارگردان سریال *فاصله‌ها*، که در سال ۱۳۸۹ از شبکه ۳ سیما پخش شد، این سریال بر آن بود که خط قرمزها را به طور شفاف بیان و پیام‌هایش را «واضح، مستقیم، و رو» به مخاطب منتقل کند.^۸ از این رو، شخصیت‌پردازی‌های سیاه و سفید و پیام‌های اخلاقی و مذهبی «گل‌درشتی» را مطرح می‌کرد که مستقیماً در قالب مونولوگ‌ها و نصایح شخصیت‌های مثبتش جاری می‌شد، اما این رویکرد از سوی منتقدان سریال مذکور به عنوان «بیانیۀ مذهبی» و «کتاب معارف مصور» تعبیر شد.^۹

آنچه در عمل در فرایند سریال‌سازی صدا و سیما اتفاق افتاده حاکی از آن است که به رغم محدودیت‌های ذکرشده در سیاست‌ها، پرداختن به شکاف نسلی در سریال‌های مورد بررسی اجتناب‌ناپذیر بوده و الگوهای مبتنی بر شکاف نسلی بیش از الگوهای مبتنی بر توافق نسلی‌بازنمایی شده است، اما خط قرمزهای سازمان در زمینه شکافتن ابعاد مختلف مسئله یا سایر عوامل منجر به برخورد سطحی با آن و ارائه راه‌حل با توجه به نصیحت افراد بزرگ‌سال شده است. این در شرایطی است که اگر این راه حل عملی می‌بود، اساساً مسئله‌ای ایجاد نمی‌شد.

این نوع از سیاست‌بازنمایی و توجه‌نکردن سازمان به ابعاد مختلف مسئله در زندگی روزمره مخاطبان و بی‌ارتباطی آن با سایر نهادهای جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری افراد، به‌ویژه خانواده و مدرسه، جایگاه صدا و سیما را در ذهن مخاطب تقلیل می‌دهد و ادامه این روند در درازمدت باعث کاهش اعتماد و توجه مخاطبان به این رسانه خواهد شد. گفتنی است این رویکرد سازمان، علاوه بر سیاست‌های اعلامی، ناشی از رویه‌های اجرایی تهیه و تولید سریال (نوشته و نانوشته) نیز می‌باشد که بررسی آن‌ها می‌تواند موضوعی برای پژوهش‌های مرتبط باشد.

پی‌نوشت

۱. این مقاله بخشی از یافته‌های پایان‌نامه دکتری نگارنده (محمد فتحی‌نیا) با عنوان «فرهنگ تلویزیونی و زندگی روزمره: پژوهشی در روایت و مصرف سریال‌های تلویزیونی ایرانی» است.

۲. از مراکز مهم تمدن سومری که به گفته تورات زادگاه ابراهیم نبی است و در حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد شهر آبادی بوده است.
۳. دوره مدیریت ضرغامی بر صدا و سیما که با دوره ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد و ظهور گفتمان بازگشت به ارزش‌های اسلامی و انقلابی در حوزه‌های مختلف همراه بود.
۴. منبع: نظرسنجی‌های هفتگی مرکز تحقیقات صدا و سیما در خصوص میزان مخاطبان سریال‌های تلویزیونی در حال پخش.
۵. متوسط میزان بیننده در طول زمان پخش سریال عبارت است از میانگین میزان به‌دست‌آمده از همه نظرسنجی‌هایی که مرکز تحقیقات صدا و سیما در مورد یک سریال در طول زمان پخش آن انجام می‌دهد.
۶. موضوع محوری داستان سریال موضوعی است که در اکثر قسمت‌های سریال به آن پرداخته می‌شود. هر سریال، علاوه بر موضوع محوری، تعدادی موضوع فرعی نیز دارد.
۷. بر اساس بند ۱۶ از «سیاست‌ها و ضوابط ناظر بر تولید، تأمین، و پخش برنامه‌های جوانان»، دسته‌بندی یا رودررو قراردادن نسل‌ها و یا جنس‌ها ممنوع است (کتابچه اهداف، محورها، اولویت‌ها، و سیاست‌های تولید، تأمین، و پخش، ۱۳۸۴: ۱۸۸). بند ۵ و ۶ از «سیاست‌ها و ضوابط ناظر بر تولید، تأمین، و پخش برنامه‌های فیلم، سریال، و نمایش» نیز تذکر می‌دهد که نمایش دعوا، مشاجرات، و اختلافات حاد خانوادگی (حتی در قالب طنز) ممنوع است (همان: ۱۹۰).
۸. حسین سهیلی‌زاده، هم‌زمان با پخش سریال، در مصاحبه‌ای گفته بود:

برای بیان مسائل تربیتی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، اما بین این دیدگاه‌ها دو حالت مشخص‌تر است: یا مسائل به صورت نامحسوس و زیرپوستی بیان می‌شود و یا واضح و مستقیم. در بسیاری از سریال‌ها، حتی سریال‌هایی که خودم ساخته‌ام، مسائل اخلاقی و تربیتی خیلی زیرپوستی بیان شده است. اما ما برای این سریال تصمیم گرفتیم مستقیم حرف بزنیم و نکته‌ها را مستقیم منتقل کنیم. علت انتخاب این دیدگاه هم خط قرمزهایی زیادی بود که در سریال و فیلم‌نامه وجود داشت. ما تصمیم گرفتیم که هم این خط قرمزها برای بیننده ملموس باشد و هم حرف‌هایی که این خطوط خواهند گفت؛ یعنی پیام‌های اخلاقی‌ای که درونشان وجود دارد. به هر صورت، وقتی روی کاری که در این وسعت نوشته می‌شود و می‌دانم قطعاً حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد بیننده خواهد داشت شورایی به نام شورای عالی تلویزیون نظارت می‌کند، روی برخی رویکردها توافق شده. ما در همین شورا به این نتیجه رسیدیم که این بار روتر به مسائل بپردازیم.

ما نمی‌دانیم چه شیوه‌ای بهتر است و خواستیم با شیوه آزمون و خطا جلو برویم! ما در ترانه مادری غیر مستقیم پیام می‌دادیم، اما در فاصله‌ها داریم برعکس عمل می‌کنیم.

واقعیت این است که مردم ما دوست دارند همه‌چیز را روتر ببینند. استنباط ما این بوده، شاید هم اشتباه کرده باشیم. به هر حال، این سریال برای خود من تجربه‌ی جدیدی است. حالا باید منتظر بازتاب کار باشیم تا ببینم اشتباه کردیم یا مسیر درست را رفته‌ایم (همشهری جوان، ش ۲۷۱: ۳۵).

۹. به عنوان نمونه‌ای از این انتقادات می‌توان به مطالب منتشر شده ذیل عنوان «شب‌های ارشاد» در شماره ۲۷۱ همشهری جوان به تاریخ ۹ مرداد ۱۳۸۹ صفحات ۳۲ تا ۳۴ اشاره کرد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۰). «شکاف بین‌نسلی در ایران»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ویژه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، ش ۴.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۳). «رابطه بین‌نسلی در خانواده ایرانی»، *مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران*، تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). «فرایند تغییر نسلی، بررسی فراتحلیلی در ایران»، *دوفصلنامه جوانان و مناسبات نسلی*، ش ۱.
- اوحدی، مسعود (۱۳۹۱). *روایت‌شناسی سینما و تلویزیون*، تهران: دانشکده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- بارت، رولان (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها*، ترجمه محمد راغب، تهران: فرهنگ صبا.
- بالس، کریستوفر (۱۳۸۰). «ذهنیت نسلی: دیدگاهی روان‌کاوانه درباره اختلاف نسل‌ها»، ترجمه حسین پاینده، *فصلنامه ارغنون*، ش ۱۹.
- تولان، مایکل (۱۳۸۶). *روایت‌شناسی: درآمدی زبان‌شناختی - انتقادی*، ترجمه سیده‌فاطمه علوی و فاطمه نعمتی، تهران: سمت.
- چیت‌ساز قمی، محمدجواد (۱۳۸۶). «بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی»، *دوفصلنامه جوانان و مناسبات نسلی*، ش ۱.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۷). «روایت، روایت‌گری، و تحلیل‌های شرح‌حال‌نگارانه»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی*، دوره ۸، ش ۱.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۸). «فرهنگ‌گذار و الزامات آن برای روابط بین‌نسلی»، *دوفصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ، و جامعه*، ش ۲.
- ساروخانی، باقر و مجتبی صدقاتی‌فرد (۱۳۸۸). «شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه‌ها و بینش‌ها»، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، س ۳، ش ۴.
- شارون، جوئل (۱۳۸۲). *ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۲). «مؤلفه‌ها و عوامل گسست نسل‌ها»، *نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها*، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.

شفرز، برنهارد (۱۳۸۳). *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*، ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران: نشر نی.

عبداللهیان، حمید (۱۳۸۲). «تغییرات فرهنگی و شکاف نسل‌ها در ایران»، *نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها*، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.

معیدفر، سعید (۱۳۸۳). «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران)»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی*، ش ۲۴.

یوسفی، نریمان (۱۳۸۳). *شکاف بین نسل‌ها: بررسی نظری و تجربی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.

یوسفی، نریمان (۱۳۸۸). *بررسی نقش تلویزیون در روابط نسلی با تأکید بر ارزش‌های فرهنگی*، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

- Bernardes, Jon (1997). *Family Studies: An Introduction*, London: Routledge.
- Branston, Gill and Roy Stafford (2002). *The Media Student's Book*, 3rd edition, Routledge.
- Briggs, Matt (2010). *Television, Audiences, and Everyday Life*, England: Open University Press.
- Danesi, Marcel (2004). *Messages, Signs, and Meanings: A Basic Textbook in Semiotics and Communication*, Ontario: Canadian Scholars' Press Inc.
- Ellis, John (1999). 'Television as Working Through', in: *Media and Knowledge: The Role of Television*, Jostein Gripsrud (ed.), London: Routledge.
- Gerbner, George (1998). 'Cultivation Analysis: An overview', *Mass Communication and Society*, Vol. 1, No. 3-4.
- Kellner, Douglas (2002). *Media Culture: Cultural Studies, Identity, and Politics between the Modern and the Postmodern*, London: Routledge.
- Kertzer, David I. (1983). 'Generation as a Sociological Problem', *Annual Review of Sociology*, Vol. 9.
- Kress, Gunther and Theo Van Leeuwen (1996). *Reading Images: The Grammar of Visual Design*, New York: Routledge.
- Stevenson, Nick (1995). *Understanding Media Cultures: Social Theory and Mass Communication*, London: Sage.